

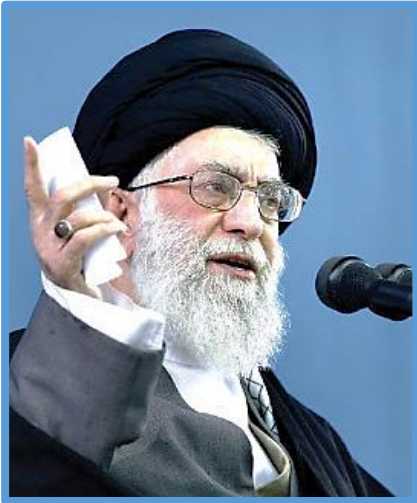
زندگی به سبک جهادی " فرهنگ جهادی در بیانات مقام معظم رهبری "

مسلمان در اسلام دارای یک شاخصه در عملکرد و عمل است تحت این عنوان که باید بین اَهم و مُهم ، کار اَهم را انتخاب کند . راه تشخیص اینکه چه عملی الان اَهم می باشد هم این است ببینیم که ولی جامعه در هر زمان چه امری را دارای اولویت می داند. اولی ترین امر هر زمان امر مورد تشخیص ولی جامعه است .

اسلام بین یک عمل مومنانه و یک عمل جهادی اولویت را به عمل جهادی می دهد زیرا جهاد در زمانی مطرح است که جامعه ی اسلامی از نظری در خطر می باشد و خُب مشخص است که کار اَهم دفع خطر دشمن از جامعه می باشد .

تأکیدی که اسلام بر عمل جهادی دارد تأکید ویژه ای است و همه جا اولویت با جهاد است و هر کسی عملکرد خود را باید با شرایط جهادی در نظر بگیرد حتی اگر کسی در دوران جنگ تبوک باید در شهر بماند و به جنگ نرود هم باید بنا به تشخیص ولی باشد تا عمل مقتضی آن زمان باشد . خب می دانید در جنگ تبوک پیامبر به حضرت علی علیه السلام دستور داد تا در مدینه بماند زیرا منافقین می خواهند در زمانی که پیامبر از مدینه خارج شد توطئه کنند ، خُب با اینکه جنگ بود ولی به دستور پیامبر حضرت علی علیه السلام به جنگ نرفتند و در خانه ایستادند.

در متن زیر بیانات مقام معظم رهبری حول فرهنگ جهاد و مجاهدت را آورده ایم .



جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکیاند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛^۱

بینید، جهاد یک معنای خاصی دارد. معنای جهاد فقط تلاش نیست. در مفهوم اسلامی، جهاد عبارت است از آن تلاشی که در مقابل یک دشمن است، در مقابل یک خصم است. هر تلاشی جهاد نیست.^۲

فرض کنید در دوران اختناق، کسی هر هفته مثلاً پنج تا کتاب میخواند؛ خیلی کار بود؛ اما لزوماً مبارزه نبود؛ جهد بود، جهاد نبود. اگر میخواست جهاد باشد، باید کتابی را میخواند که در حرکت او در مواجهه‌ی با رژیم طاغوت و رژیم اختناق، تأثیر داشت؛ آنوقت میشد جهاد. خاصیت جهاد این است.^۳

در مبارزه، دو چیز حتماً لازم است: یکی این که در آن جدّ و جهد و تحرّکی باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمیتواند مبارزه کند! در مبارزه، باید جدّ و جهدی وجود داشته باشد. اگر چه در صُوری، مبارزه با نفس هم میدانهایی دارد؛ اما حالا مثالهایی که میزنیم برای مبارزات اجتماعی و اینهاست. پس، اول این که در آن جدّ و جهد و تلاش و تحرّک باشد. دوم این که، در مقابلش دشمنی باشد.

مبارزه، در آن جا که دشمن نیست، معنا ندارد. پس، جهاد متقوم بر این دو رکن است: یکی این که در آن جدّ و جهد باشد؛ دیگر این که در مقابل دشمن باشد. اگر کسی علیه دوست جدّ و

^۱ ۲۵/۰۴/۱۳۸۶ بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان

^۲ ۱۴/۰۶/۱۳۸۹ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها

^۳ ۲۵/۰۴/۱۳۸۶ بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان

جهد کند، این جهاد نیست؛ بلکه فتنه و اخلال است. اگر کسی در مقابل دولت حق، در مقابل صلاح و نظام حق، جدّ و جهد و تلاش کند، این فتنه و محاربه است؛ جهاد نیست. حال این جدّ و جهدی که انجام میگیرد، به هر شکلی باشد - چه به شکل نوشتن، گفتن، کتاب، و چه به شکل شب‌نامه، شایعه‌پراکنی، نق زدن و منفی بافی - همه‌اش فتنه‌گری و اغواگری، و بعضی از آشکالش محاربه است. اگر همه اینها در مقابل دشمن خدا و دشمن «علی لسان الله و لسان رسوله و اولیائه علیهم السلام»، باشد، میشود «جهاد فی سبیل الله». پیغمبر به این گونه جهاد دعوت میکند. پس، تنبلی و نشستن و بیکارگی و بیهتمایی، از امت پیغمبر خواسته نیست. جهادِ دائم^۴.

هر کسی توفیق جهاد ندارد



در دوران اختناق و مبارزه، بعضی که آن‌گونه مبارزات را قبول نداشتند یا نمیفهمیدند - افرادی که معرفت سیاسیشان کم بود و نمیفهمیدند که چرا باید مبارزه و جهاد کرد - اما آدمهای مؤمنی بودند، میگفتند: «ای کاش وسیله‌ای فراهم شود، تا ما برویم در جایی که دشمن خدا هست، شمشیر بزنیم. در جبهه‌ها و سنگرها بجنگیم و از فضیلت جهاد برخوردار شویم.» دلشان به سوی چنان حالتی پرواز میکرد^۵.

جهاد یکی از پایه‌های ایمان از نظر اسلام

معنای بسیج، توأم کردن ایمان و عمل است؛ عمل مجاهدانه، نه صرفاً عمل شخصی. از نظر اسلام، ایمان مجرد از عمل، یک حداقل است. ایمان کامل و ایمان حقیقی آن ایمانی است که با جهاد در میدان عمل همراه باشد. «و الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله و الذین آووا و

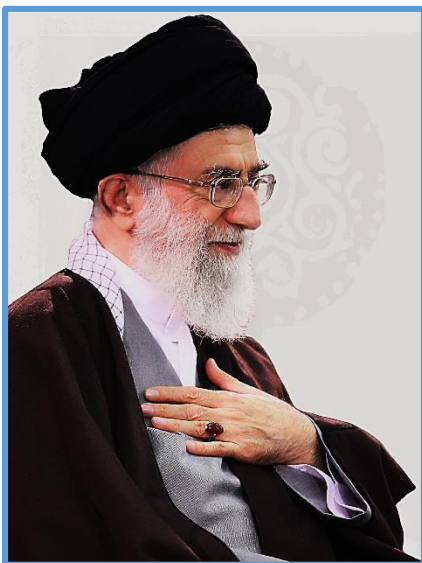
^۴ بیانات در آغاز درس خارج فقه ۲۰/۰۶/۱۳۷۳

^۵ بیانات در دیدار فرماندهان سپاه ۲۹/۰۶/۱۳۷۳

نصروا اولئک هم المؤمنون حقاً»؛ (۳) مؤمن حقیقی آن کسی است که ایمان را با جهاد و هجرت و نصرت همراه میکند. تشخص بسیجی به این است. این فکر غلط و انحرافی که ما ایمان را منهای عمل و منهای جهاد، برای تقرب الی الله کافی بدانیم، این آیه و آیات زیادی آن را رد میکنند. بسیج، قائم به همین است که ایمان همراه با عمل، آن هم عمل مجاهدانه باشد.^۶

در حکمت سی ام نهج البلاغه آمده است: «سئل عن الأیمان»؛ از حضرت تقاضا کردند درباره ی ایمان برای آنها صحبت کند. فرمود: «الأیمان علی اربع دعائم»؛ ایمان روی چهار پایه استوار است. منظور از چهار پایه این است که اگر پایه ها محکم بود، ایمان رو می ماند؛ اما اگر پایه ها سست شد یا فرو ریخت، ایمان به همان نسبت فرو می ریزد. به طور کامل ساقط نمی شود، اما به همان نسبت فرو می ریزد. حضرت این چهار پایه را بیان فرمودند: «علی الصبر والیقین والعدل والجهاد».^۷

فرهنگ جهادی به معنای رنج کشیدن نیست



امروز مردم ما باید امید داشته باشند؛ اگر امید بود، حماسه خواهد بود. اینکه ما عرض کردیم «حماسه»؛ حماسه که دستوری نیست، بخشنامه‌ای نیست؛ بخشنامه صادر میکنیم، مردم حماسه ایجاد کنند! مگر میشود چنین چیزی؟ مگر معقول است؟ حماسه از دل میجوشد، حماسه با عقل هدایت میشود، حماسه با ایمان پشتیبانی میشود؛ اینها که دستوری نیست. اگر چنانچه دل از امید خالی شد، فکر از منطق صحیح تهی شد، حماسه به وجود نمی‌آید. ما در ذهنها تردید ایجاد کنیم، در دلها یأس تزریق کنیم، حماسه به وجود می‌آید؟ معلوم است که نه.

بیانات در دیدار بسیجیان استان قم ۰۲/۰۸/۱۳۸۹

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۲۰/۰۸/۱۳۸۳^۷

آن وقت این چشم‌اندازی را که امروز ما برای خودمان ترسیم میکنیم، کسی بیاید در آن تردید آفرینی کند، یأس آفرینی کند، ناامیدی به وجود بیاورد؛ همچنین در حرکت و جهاد مداوم که نیاز یک کشور و یک امت و یک تاریخ است.

جهاد مداوم، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفته‌ها، همه‌ی تمدن‌سازیه‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق آفرین است. جهاد، شادی و نشاط آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، اینها میشود کفران نعمت الهی؛ «ألم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفرا و احلوا قومهم دار البوار»؛ (۱) این نباید بشود.^۸

فرهنگ جهادی به معنای بی قانونی نیست



کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی قانونی نیست. میدانید روحیه‌ی من را، من آدم دعوت‌کننده‌ی به بی قانونی نیستم؛ بشدتّ ضدّ این بی قانونی هستم، امّا معتقدم در همان چهارچوب قانون، دو جور میشود کار کرد: یک کار مرسوم اداری، یک کار جهادی. کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمانها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است.^۹

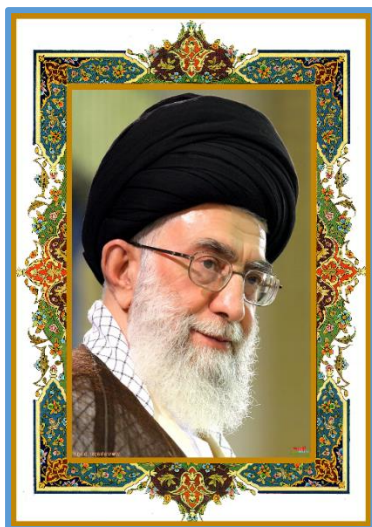
شهدا پیشگام در فرهنگ جهادی

^۸ ۱۱/۰۲/۱۳۹۲ بیانات در دیدار جمعی از مداحان

^۹ ۰۶/۰۶/۱۳۹۲ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت

روزبه‌روز باید یاد شهدا و تکرار نام شهدا و نکته‌یابی و نکته‌سنجی زندگی شهدا در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند. و اگر این شد، آن‌وقت مسئله‌ی شهادت که به معنای مجاهدت تمام‌عیار در راه خدا است، در جامعه ماندگار خواهد شد. و اگر این شد، برای این جامعه دیگر شکست وجود نخواهد داشت و شکست معنا نخواهد داشت؛ پیش خواهد رفت.^{۱۰}

بدون جهاد فرد و جامعه هیچ ندارد



بدون جهاد، در مقابل گرگ بیدست و پای بیابان هم نمیشود ایستاد؛ چه رسد به گرگهای بسیار بسیار خطرناک دنیای سیاست و دنیای اقتصاد و سرپنجه‌های خونینی که میلیونها انسان را دریدند و نابود کردند و خوردند و بردند!

مگر یک ملت بدون جهاد میتواند سرش را بالا بگیرد؟ مگر یک ملت بدون جهاد میتواند طعم عزت را بچشد؟ مگر یک ملت بدون جهاد میتواند در میان ملتهای دنیا شأن و موقعیتی پیدا کند؟ «انّ الجهاد باب من ابواب الجنّة».^{۱۱}

فرهنگ جهادی ، درس اولیاء دین به امت

آنچه مسلم است، این است که اینها مظهر تلاش در راه خدا و دین او بودند. «اشهد أنّک جاهدت فی اللّٰه حقّ جهاده و عملت بکتابه و اتّبعت سنن نبیه صلی اللّٰه علیه و آله»؛ شهادت میدهم که او جهاد در راه خدا را به صورت شایسته انجام داد. این، چیزی است که ما در زیارت امیرالمؤمنین و بقیه‌ی ائمه (علیهم‌السلام) میخوانیم. این جهاد همیشه بر دوش ما هست. جهاد

^{۱۰} ۲۷/۱۱/۱۳۹۳ بیانات در دیدار اعضای ستادهای «کنگره شهدای امور تربیتی»، «کنگره شهدای

دانشجو»، و «کنگره شهدای هنرمند»

^{۱۱} ۲۶/۰۷/۱۳۷۷ بیانات در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهداء (علیه السلام)

علمی، جهاد عملی، جهاد در دوران جنگ، جهاد در دوران صلح، جهاد با نفس، جهاد با دشمن بیرونی، جهاد با مال، جهاد با جان، جهاد با زبان؛ اینها درس است. کاری که میکنید برای اعتلاء دین یا اعتلاء امت اسلامی، جهاد است؛^{۱۲}

^{۱۲} ۱۷/۰۵/۱۳۸۵ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد امیرالمؤمنین(علیه السلام)